

ایمان زیر بنای عمل

عمل و حسن، طرفداران این مکتب درست نقطه مقابل قبلی‌ها هستند و در تفریط قرار گرفته‌اند، اینان می‌گویند: اصل، کار، عمل و تأمین جهات مادی است و کارنیک، و عمل شایسته، در نیکبختی انسان کافی است، اگر چه در روش پراز خصال شیطانی، اندیشه و روحش آلوده و عقیده‌ای انحرافی داشته باشد !!

که مکتبها و فلسفه‌های مادی نوساخته در قرون اخیر، این طرز تفکر را ترویج می‌کنند و بعدرونی، روح و معنویت را فراموش کرده انسان را به ابزار و ماشین، یا حیوانی مترقی! تبدیل نموده‌اند !!

۳- مکتب اسلام: آئین اسلام که مکتب اعتدال و وسط است، در این بعد نیز افراط و تفریط را رد کرده درون و بیرون، مادیت و معنویت، جسم و روح، اندیشه و کار و ایمان و عمل را مربوط بهمم و لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و به همه ابعاد انسان توجه نموده است.

کلیه مکتبهای دینی و فلسفی را در مورد «عمل»، «عقیده» و «فکر» به سه دسته میتوان تقسیم کرد که دو مکتب از آنها، راه افراط و تفریط را پیموده‌اند و یکی در حد اعتدال و وسط قرار گرفته است.

۱- مکتب و فلسفه «اپانی‌شاد»، بیرون این مکتب و برخی از فلسفه‌های هندی، بر این عقیده‌اند که: صلاح، سعادت و نیکبختی بشر، تنها در اصلاح درون و اندیشه و تزکیه روح است! و چندان به عمل، ظاهر و بیرون توجه ندارند! می‌گویند: فقط تهذیب نفس و تصفیه روح، موجب کمال و سعادت است و نیازی به عامل دیگر نیست!

«اشراقیون» از فلاسفه یونان و برخی از «صوفیه» در اسلام، از بیرون این مکتب افراطی‌اند و متأسفانه «ای برادر تو همین اندیشه‌ای!» را بر بنای این منطق معنا می‌کنند!

۲- مکتب «شنو الیسیم» یا اصالت

ایمان ، زمینه ساز تکامل و پرورش انسانیت :

در زمینه معنویت ، تصلیه روح ، تهذیب نفس و کمال انسانی ، با زیر بنای توحیدی و توجه به «الله» و نفی «شرك» و مخلوق پرستی ، انسان را به کمال مطلق و سعادت جاویدان رهبری میکند و تفکرو اندیشه را با ایمان و عشق ، نور و توان می بخشد و افق اندیشه انسانی را با توجه به خدای نامتناهی بی نهایت میسازد .

از یک سو با قوانین و احکام عبادی ، دعاها و نیایشها و اعمال مستحبی ، انسانهای خداگونه تربیت می کند و آنان را به صفات الهی می آراید ، و از سوی دیگر ، مبارزه با باهواهای نفسانی ، تعدیل امیال و غرائز و کوبیدن زشتیها و پلیدبهارا واجب می شمارد و آن را جهاد اکبر مینامد و از این طریق راه کمال و سعادت را هموار و منجلبهای نکبت و شقاوت را می خشکاند ، و بهترین راه تهذیب نفس و تزکیه روح را به انسان یاد میدهد تا آنجا که وی را از فرشتگان و ساواتیان ، برتر میسازد و به فرموده :
عَبْدِي أَحَبُّ إِلَيَّ حَتَّى أَجْعَلَكَ مِنِّي (۱)
«بندۀ من! مرا بر روی کن تا به تو نیروی الهی بدهم» انسان را به قرب خدائی میرساند.
بعضیون شمر معروف سعدی :

«رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت!؟»
و بالاخره برای نیکیبختی انسان در دو جهان و برای اینکه در تمام زمینه های زندگی :
پاکی ، محبت ، عدالت ، آزادی ، مساوات
مواست ، صلح ، آرامش ، بی نیازی امانت
و... همچنین از میان بزردن فقر ، جهل
ظلم ، آسارت و بردگی ، خیانت ، ددمنشی
و... سعادت انسان تضمین گردد ، انسانیت
اورا اصل دانسته و همراهِ فرع بر آن قرار
داده است ، آنگاه برای سازندگی و بازور
کردن انسانیت او ، وی را با توحید و ایمان
آشنا ساخته و در وصول به کمال مطلق مقام
و شایستگی خلیفه الهی به او داده است .
ثمره ایمان ، عمل است و عمل .
دلیل بر ایمان :

منتهی ، در اسلام ، «همچنانکه در بخشهای
قبل به طور تفصیل یاد آور شدیم» ایمان و
اندیشه الهی و واقعی آنست که ثمره اش
معلوم و نتیجه و اثرش محسوس باشد و ثمره
و اثر ایمان و تفکر توحیدی «عمل» ، و دلیل
وجود ایمان و نیت با کثیر «عمل» می باشد که :
قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ (۲) «هر کس
بر مبنای نیت و زمینه ی تفکر خویش عمل
می کند» .

و به فرموده امام صادق (ع) عمل ،
همان تجسم اندیشه و نیت درونی
است . که : الْأَوَانِ النَّيَّةُ هِيَ الْعَمَلُ (۳)
«در حقیقت نیت همان عمل است» .
بنابراین ، اصطلاح معروف و عامیانه که :

(۱) حدیث قدسی . مثلی

(۲) اسراء ۸۴

(۳) کافی باب الاغلاس حدیث ۳ -

«قلب باید پاک باشد، ادعائی بیش نیست زیرا پاکى دل و صفای درون، از حرکات و اعمال انسان معلوم میگردد و گرنه هر کس میتواند ادعای پاکى دل و صفای درون نماید، به همین جهت مولا علی (ع) فرموده است:

التَّفَكُّرُ يَدْعُوا إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ (۱)

اندیشه و تفکر، انسان را به نیکی و عمل کردن آن وامیدارد.

پس در پیش و جهانبینی اسلامی، هر کس از زیر بار مسؤولیتها و عمل، شانه خالی نماید، حاکی از کمبود ایمان یا تزلزل آن میباشد، و ادعاهای عوام فریبانه مانند:

«دل باید پاک باشد»، «ما اهل دنیای نیستیم»
 «ما یقین رسیدیم و نیازی به عمل نیست»
 «رسید شکر میکنیم و نرسید صبر میکنیم»
 جز یکمشت الفاظ بوج و تو خالی چیز دیگر نیست و از عدم آشنائی گوینده با مکتب اسلام حکایت می کند.

عمل بدون ایمان، فریب و ریاست.
 در مکتب اسلام، مبانی اعتقادی و ایدئولوژیکی، اصول و ریشهها، و بقیه فروع، عنوان شده است و ریشه و اصل تمام احکام و قوانین، اخلاق، مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همه ابعاد فرهنگی، مادی و معنوی، توحید و ایمان میباشد و چنانچه زیربنای هر عمل یا حرکت یا برنامه

(۱) کالی باب التفکر حدیث ۵

(۲) مائده ۲۷

(۳) سفیة البحار ماده «عمل»

ای، توحید و تفکر الهی نباشد، از نظر اسلام بی ارزش است و اصولاً نمیتواند يك عمل پاک و سعادت آفرین باشد.

بنابر این همانطور که دلیل وجود ایمان نتیجه و اثر آنست و گفتیم: اثر و ثمره ایمان عمل می باشد، عمل نیز باید از منبع ایمان سرچشمه بگیرد و گرنه فریب، تظاهر و ریا است و حداقل، برای اشباع غریزه خویش و خودخواهی است، به همین جهت در اسلام تکالیف و وظائف دین چنانچه باهدنی غیر خدائی انجام گیرد، بی ارزش، باطل و گاهی موجب شرک محسوب میگردد، فی-المثل، نماز که یکی از استوانه های اعمال دینی شمرده شده است چنانچه باهدنی غیر خدائی انجام گیرد، نه تنها باطل و بی ارزش است بلکه شرک آلود و گناه و معصیت است و همچنین سایر اعمال.

پیامبر اکرم (ص) به اباذر فرمود: اباذر! به عملی همت گمار که از تقوی سرچشمه گرفته باشد زیرا هیچ عملی بدون تقوا پذیرفته نیست که خدای متعال فرموده است **إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**، (۲) خدای جهان، تنها از باتقوایان می پذیرد، (۳) غرضهای غیر خدائی، موجب فساد و بطلان اعمال میگردد، و مکتب اسلام برنامه اش چنین است که انسان، اندیشه ی خود را محدود به افکار مادی ننماید و با یک هدف کوچک و کم ارزش کاری را انجام ندهد که در نتیجه، همیشه بر اطراف خویش بفرخد و اللی دید و تعالی را محدود سازد، که اگر کار را برای لذت جوئی، شکم یا

برای خوشایند خلق انجام دادی افاق اندیشه و دید محدود، و تفکر حیوانی است. ولی چنانچه در انجام این کار، زیر بنا و عامل و معیار «الله» بود و از ایمان سرچشمه گرفت در عین داشتن لغت و نشاط روحی خود عمل وسیله ارتباط با کمال مطلق و فیاض نامحدود می باشد و افاق اندیشه و دید عامل، بابتی پایان و نامحدود مربوط میگردد و اینگونه اعمال است که سبب رقاء و کمال میگردد. قرآن میفرماید:

لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى
كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ (۳)

«صدقات و کارهای نیکتان را با منت گذاری و اذیت، باطل نسازید! مانند کسی که برای نشان دادن به مردم و با رباکاری افاق می کند ...»

عملی که از ریشه ایمان روح و جان انسان سیراب نگردد، با اینکه در ظاهر افاق است بخشش است و خدمت است ولی ارزش واقعی و ذاتی ندارد که قرآن مثال بسیار جالبی میزند و میفرماید: «... کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم و از روی ربا افاق می کند و به خدا و روز ستاخیز ایمان ندارد» کار او مانند قطعه سنگی است که «قشر نازکی از خاک بر روی آن باشد» و بذرهائی روی آن نشاند شده و باران درشت بر

آن بیارد و همه خاکها و بذرها را بشوید، و آنرا صاف و خالی از خاک رها کند کسانی که روی آن کاری انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند و خداوند کاران را دوست نمیدارد» (۴)

افرادی که افاق و خدمت به مردم و خلق را به رخ می کشند ولی بر اثر نداشتن ایمان به خالق و نبودن انگیزه الهی، نیکو کاری ریشه ثابتی در وجودشان ندارد، در واقع با اینگونه اعمال، باطن ریائی و خشن خود را با چهره ای از خیر خواهی و نیکو کاری می پوشانند که خواه و ناخواه حوادث زندگی و گذشت زمان، این پرده را کنار می زند و باطن آنانرا آشکار میسازد و انگیزش الهی و ایمان به آفریدگار جهان، نهالهای فضیلت و خدمت به خلق برادر وجود انسان بارور میسازد و او را ذاتاً خدوم و مهربان و نودوست بارمی آورد و اعمال خیر خواهانه از ریشه جانش و از احمق وجودش سیراب میگردد.

در انجام اعمال عبادی، فقههای بزرگ اسلام، تا داخل قصد و نیت خدائی با غیر آن را موجب بطلان عمل میدانند مثلاً چنانچه کسی غسل کند برای گرم پا خنک شدن، آنرا باطل میدانند و بزرگان از علمای اسلام مانند علامه شیخ بهائی، عادت کردن به عبادات

بقیه در صفحه ۴۶

(۳) بقره ۲۶۴

(۴) دنباله آیه قبل است ... وَلَا يُؤْمِنُ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ فَشَلَّ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَمَّا بَعْدُ وَإِن لَّ فَرَكَهُ صَدَأٌ لَا يُقْبِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

نخستین پیروزی انقلاب

چه عواملی در تسریع انقلاب «محمد نفس زکیه» موثر بود

انتقال زندانیان

به دستور منصور، محمد، و گروهی از سادات حسنی را که به جرم همکاری با محمد در مدینه زندانی بودند در حالی که بر دستها و پاهایشان غل و زنجیر بسته بودند، با وضع دلخراشی نزد وی آوردند، منصور با آنان باخشونت و اهانت فوق‌العاده‌ای رفتار کرد و هرچند از محل اختفای محمد پرسید، اسیران حاضر به افشای آن نشدند (۱)

منصور دستور داد آنان را براشترانی که دارای جهاز بدون بستر بودند، سوار نموده روانه زندان کوفه سازند. زندان مزبور سرداب بسیار تاریکی بوده طوری که شب و روز در آن معلوم نبود، شرایط

پس از آنکه منصور عباسی با توسل به تاکتیک‌های گوناگون نتوانست آتش انقلاب توفنده شهر مدینه به رهبری «محمد نفس زکیه» را خاموش سازد، ناگزیر در سال ۱۳۴ هـ شخصاً سفری به حجاز کرد تا بلکه بتواند بنحوی از گسترش فزاینده انقلاب جلوگیری نماید ولی آتش انقلاب و شورش در شهر مدینه همچنان شعله‌ور شده بود که صلاح ندید وارد شهر شود، بلکه در بیرون شهر در «ربذه» (سه میلی مدینه) فرود آمد و «رباح» (فرماندار مدینه) به دیدار وی رفت و گزارش وضع مدینه را داد!

این زندان به قدری طاقت فرسا بود که بسیاری از زندانیان مبارز در آنجا جان سپردند ، و بعضی از آنان را در لای دیوار گذاشتند و با وضع دلخراشی به شهادت رسانیدند . اما در هر حال منصور بدون آنکه دسترسی به محمد پیدا کند ، به پایتخت بازگشت .

انقلاب زود رس

منصور به این نتیجه رسید که جستجو و تعقیب محمد بی فایده است و باید منتظر بود تا او خود ظاهر شود تا بتواند با او به مقابله برخیزد ...

سرانجام محمد در ماه رجب ۱۲۵ هـ وارد مدینه شد و شروع به اخذ بیعت آشکار از مردم کرد ، اما آن روز هنوز مقدمات انقلاب کاملاً فراهم نشده بود و نمایندگان و فرستادگان او به مناطق مختلف ، هنوز مأموریت خود را به اتمام نرسانده بودند .

مورخان در مورد انگیزه محمد در تسریع انقلاب ، وحدت نظر ندارند . برخی معتقدند که فشار فوق العاده منصور نسبت به بستگان و همزمان محمد ، کاسه صبر او را لبریز کرد و تاریخ انقلاب او را به جلو

انداخت (۲)

برخی دیگر تعقیب و کنترل او از طرف مأموران منصور را عامل این موضوع می دانند (۳)

«ابو الفتح اصفهانی» گرفتاری برادر اوموسی را توسط مأموران منصور ، در در تسریع انقلاب موثر می دانند (۴) ولی به نظر می رسد که مهمترین عامل ، اصرار یاران نزدیک محمد در این زمینه بود : آنان وی را تشویق به شتاب در شروع انقلاب نموده با طعنه نسبت به مستی مردم ، به او گفتند : « منتظر چه هستی ، در نظر این امت هیچ کس شوم تر از تو نیست ! ، چرا به تنهایی قیام نمی کنی ؟ » (۵)

باری با آغاز انقلاب مسلحانه محمد ، رباح فرماندار مدینه در برابر اقدام ناگهانی لذاغافلگیر شد و تصور نمی کرد که محمد به این سرعت اقدامات مسلحانه را آغاز کند و هیچ عکس العمل فوری نتوانست از خود نشان بدهد و تنها کاری که کرد این بود که به دارالاماره پناهنده شد و دستور داد پلدهای آن را خراب کنند تا انقلابیون نتوانند به داخل آن رخنه کنند ، آنگاه سخنان تندى ایراد کرده حاضران در فرمان-

۲ - مروج الذهب ج ۲ ص ۳۰۶ - الفخری ص ۱۴۸

۳ - تاریخ طبری ج ۶ ص ۱۸۳ - المعارف : ابن تیمیة ص ۱۶۴

۴ - مقاتل الطالبیین ص ۲۶۰

۵ - طبری ج ۶ ص ۱۷۳ - التنبیه والاشراف ص ۳۴۰ - مقاتل الطالبیین

داری را تهدید کرد که اگر منصور بیروز شود همه آنان را به جرم مخالفت با خلیفه، کردن خواهد زد (۶)

سقوط زندان

محمد همراه دو بیست و پنجاه نفر به زندان مدینه حمله برد و زندانیان را آزاد ساخت. زندانیان آزاد شده، همراه نیروهای انقلابی، در کوچه ها و معابر مدینه به تظاهرات و دادن شعار پرداختند و صدای رعد آسای تکبیر و شعارهای دیگر آنان در فضای شهر طنین افکند و مردم راه شور و هیجان آورد.

محمد می خواست انقلاب او بدون خونریزی باشد از این رو به نیروهای خود دستور می داد دست به کشتار نزندند (۷) (۸) پس از سقوط زندان ، انقلابیون به مقر فرمانداری حمله کرده، آنجا را تصرف نمودند و بیت المال را در اختیار گرفتند و رباح و برادرش را دستگیر و زندانی ساختند (۹)

آنگاه رهبر انقلاب بر فراز منبر رفت و طی سخنرانی پرشوری جنایات منصور را بر شمرد و او را طاغوت نامیده ، در دشمنی با خدا ، به فرعون تشبیه کرد و او را به علت ساختن کاخ سبز بغداد به باد انتقاد گرفت و خود را شایسته خلافت معرفی نمود و گفت : رژیم عباسی آئین خدا را زیر پا گذاشته مقررات الهی را تغییر داده بود . آنگاه ناپودی آنان را از پیشگاه خداوند مسئلت نمود و خطاب به اهل مدینه گفت : « اینکه در شهر شما قیام کرده ام نه بدین جهت است که شما نیرو و قدرت دارید ، بلکه به این علت است که شمارا (بواسطه پاکی و ارزشی که دارید) برای باری خود برگزیده ام (۱۰)

پشتیبانی فقهاء

چنانکه قبلا گفتیم (۱۱) انقلاب محمد نفس زکیه ، انقلابی مردمی بود و از پشتیبانی و مسیح فقراهای مختلف مردم دزد مرکز انقلاب یعنی شهر مدینه برخوردار بود .

۶ - طبری ج ۶ ص ۵۸۵
 ۷ - مقاتل الطالبیین ص ۲۶۳
 ۸ - به همین جهت ، وقتی که « رباح » فرماندار منصور دستگیر شده او را به قتل فرساید ، بلکه دستور داد او را زندانی کردند . و همچنین وقتی که « محمد بن خالد قسری » فرماندار سابق مدینه (که به جرم کوتاهی در دستگیری محمد ، زندانی شده بود ، و توسط انقلابیون آزاد گردید) به انقلاب خیانت کرد و مخفیانه با منصور تماس گرفت ، باز او را محکوم به زندان ساختند نه اعدام !
 ۹ - مقاتل الطالبیین ص ۲۱۳
 ۱۰ - طبری ج ۶ ص ۱۸۸ - الکامل ج ۵ ص ۲۵۵
 ۱۱ - در شماره ۶ مجله

مؤید این معنی این است که پس از پنهانده شدن فرماندار مدینه به دارالاماره ، از میان قبایل متعدد مدینه، فقط قبیله «بنی زهره» ، عده‌ای مسلح را برای محافظت از مقر فرمانداری فرستادند (که مقاومت آنان نیز بان نخستین حمله انقلابیون درهم شکست) و بقیه قبایل طرفدار از انقلاب بودند .

علاوه بر این ، شخصیت‌های بزرگ علمی و فقهای برجسته و بزرگان مدینه (بجز گروهی اندک) از محمد پشیمانان کردند که در رأس آنان «مالک بن انس» امام فرقه مالکی قرار داشت . بسیاری از مردم نزد وی رفته و در مورد پیوستن به نیروهای محمد ، از او استفتاء کردند و گفتند : بیعت ابو جعفر منصور برگردن ما است ، حال آیا می‌توانیم نقض بیعت نموده از محمد پشیمانان کنیم ؟ وی پاسخ

داد : از شما بزور و اکراه بیعت گرفته بودند و چنین بیعتی ارزش ندارد . این فتوی با توجه به نفوذ و محبوبیت گسترده‌ای که مالک در مدینه داشت ، موجب گرایش بسیاری از اهالی مدینه به سوی محمد ، و تقویت جبهه او گردید (۱۲)

علاوه بر او دو تن دیگر از فقهای مدینه بنام « عبدالله بن جعفر » (۱۳) و «محمد بن عجلان» نیز از انقلاب محمد پشیمانان کردند . « عبدالله بن جعفر » از برجسته‌ترین دانشمندان مدینه در رشته فقه وحدیث بود (۱۴)

« محمد بن عجلان » نیز مورد احترام و تجلیل مردم مدینه بود و در مسجد پیامبر حائمه تدریس فقه وحدیث داشت ، وضاحب فتوی بود ، و پس از آغاز انقلاب ، در آن شرکت کرد (۱۵) .

۱۲ - الامامة و السياسة ج ۲ ص ۸۱ - طبری ج ۶ ص ۱۹۰

۱۳ - عبدالله بن جعفر بن عبدالرحمن بن مغرمة

۱۴ - مقاتل الطالبیین ص ۲۹۱

۱۵ - مدرک گذشته ص ۲۸۹

عامل قیام مسلحانه !

امام امیرمؤمنان به حاکم اعزامی به فارس چنین نوشت :

استعمل العدل واحذر العسف والحيف فان العسف يعوذبالجلاء

والحيف يدعو الى السيف

عدل وانصاف را بکار بند و از فشار و ستم و بی‌انصافی خود داری کن

زیرا بی‌انصافی منجر به فرار و آوارگی می‌گردد ، و ستم ، مردم را وادار به توسل به شمشیر و قیام مسلحانه می‌کند .

تقوی و بزرگداشت شعائر اسلامی!

جهت آن نگاه می کند و شعائری را از تقوا می داند که زمینه فکری و روحی داشته ، ناشی از ملکه نفسانی تقوا بوده باشد (در جمله «یعظم» و تقوی القلوب دقت کنید) و از اینرو قرآن بزرگداشت و تعظیم شعائر را که یک عمل روحی است و ریشه در اعماق ایمان دارد از آثار و نمودهای تقوا بشمار می آورد تا از یک سلسله انحراف های منافقانه که احیاناً ممکن است زیر چتر شعائر اسلامی بالاترین ضربه را باسلام و مسلمین بزند جلوگیری کند و با حداقل، ارزش اعمالی را که بدون زمینه روحی تقوا انجام می گیرد روشن سازد خصوصاً با توجه باینکه تعظیم شعائر باید از تقوای دل برخیزد و قرآن تعبیری «تقوی القلوب» می کند .

و بدیهی است که تقوای دلها نیز از تقوا

برها داشتن شعارها و سنت های اصیل اسلامی از نمودهای بارز و عملی تقوا بشمار میرود زیرا بدیهی است که وقتی ما بوجود تقوا در باطن افراد بی می بریم که آثار آن در عمل نیز ظاهر شده باشد، البته نه منافقانه بلکه این عمل ناشی از ملکه تقوا و حالت روحی و زمینه ذهنی که انکساک ناپذیر از بروز آثار آن در مرحله عمل می باشد و قرآن این معنا را بعنوان (تعظیم شعائر) مطرح می کند: «ومن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» ، (۱) بزرگداشت و برپائی شعائر الهی، همانا از تقوای دلها ناشی می شود .

نکته جالب و قابل تذکر در این آیه اینست که قرآن تنها، عمل و نمود ظاهری شعائر را از تقوای دلها داند بلکه مغز و باطن عمل و

(۱) سوره ۲۲ ر ۳۲

ارشاد قرآن مخصوص پرهیز- کاران است .

در این شکی نیست که قرآن برای راهنمای فکری و عملی تمام مردم روی زمین نازل شده است و به منزله دریائی است مواج بر از دره ها و گورها دارای منابع پر ارزش برای تغذیه هر مرتبه از مراتب فکری و عقلی بشر در هر دوره از دوران های تاریخی خود قرآن اینگونه تعبیری آورد که قرآن بیانی است برای تمام انسانها (هذایان للناس) و لکن بیان بودن قرآن برای تمام بشر ، ایجاب نمی کند که همه کس در هر حال بتواند از آب حیات بخشش آن بهره مند گردد

زیرا چه بسا آمادگی قبول آنرا به ملاحظه روحیات خاص و افکار انحرافی و تربیت های غیر صحیح ، نداشته باشد و این را نباید به تقصیر قرآن گذاشت بلکه با اصطلاح فلاسفه باید علاوه بر فیض فیاض و رحمت و گرامت او بر پندگاران باید عمل نیز قابلیت جذب و تحمل آنرا داشته باشد و این آمادگی و قابلیت عمل از نظر اسلام و قرآن تنها با تقوای معنی در صورت پیدایش حالت نفسانی خاصی ، تحقق پیدا می کند .

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «هذا بیان للناس وهدی وموعظة للمتقین» «این کتاب بیان برای تمام مردم و (لکن) هدایت و راهنما و بند و اندرز برای تمام پرهیز-کاران است» (۳)

چنانکه خوانندگان ملاحظه می کنند که قرآن چگونه ظرافت خاصی بکار برده ،

در مرحله عمل پدیدار می گردد و هنگامی بتقوای دل پی می بریم که آثار آنرا در اندیشه و اعمال و کردار و شیوه های زندگی براستی بیابیم زیرا آنچه از روایات معتبر و قرآن مجید استفاده می شود اینست که عمل بدون تقوا دارای تأثیر واقعی نیست از این جهت عمل اندک اما از روی تقوا خیلی مؤثرتر و با ارزش تر از عملی است که روی برخی از اغراض بدون داشتن زمینه روحی تقوا انجام گرفته باشد زیرا نزد خدا کمی عمل و یاز یادی آن چندان مهم نیست بلکه کیفیت انجام آن مهمتر بوده ، عملی ارزش دارد که مورد قبول پروردگار واقع شود .
رسول اکرم (ص) خطاب با بوذر غفاری آن مرد عمل و مجسمه تقوا و پر جوش و خروش چنین می فرماید :

«یا باذرکن بالعمل بالتقوی اشد اهتماماً منک بالعمل فانه لا یقبل عمل بالتقوی و کیف یقبل ما یقبل یتول الله عزوجل: انما یقبل الله من المتقین» (۲) «ای باذر در عمل کردن از روی تقوا کوشا تر از عمل کردن بدون تقوی ، باش زیرا عمل کم اما از روی تقوی ، (در حقیقت) عمل اندکی نیست به جهت اینکه عملی که خداوند آنرا قبول کند عمل کمی نیست چنانکه خداوند در قرآن مجید می فرماید: «خداوند عمل را تنها از پرهیزکاران می پذیرد (در واقع آثار، تنها بر عمل تقوایی مترتب است)

(۲) بکار ج ۷۷ ر ۸۹

(۳) سوره ۳۹ آیه ۵۷

بیانیت قرآن را برای تمام مردم بمنزله درپائی بی کران مفید و زندگی ساز گوشزد می کند و لکن موعظه بودن و هدایت و راهنمایی آنرا تنها برای متقین یعنی کسانی که حالت روحی و آمادگی خاصی برای قبول این دستورهای آسمانی انسان ساز دارد قرار می دهد پس نباید انتظار این را داشته باشیم که کفار و منافقین و مترفین و بطور کلی هر آن کسی که نور تقوا در دل آنان نتابیده است باقرآن و اسلام و مکتب انبیاء روی موافقتی نشان دهند و از اینرو از انکار و وحشت چنین افراد غیر متقی هرگز نباید وحشتی در دل را مداد و یا خدای نکرده عدم قبول مکتب اسلام و قرآن را از ناحیه چنین گمراهانی یک نوع کسب و نقصی در دستورهای مکتبی خود پنداشت و ما نمونه های زیاد آنرا در صدر اسلام و در زمان حضور پیامبر گرامی اسلام مثل ابوسلیان و ابوجهل و... و حتی در میان نامیای خود آنحضرت مثل ابولهب و غیر آن می بینیم زیرا اگر چشمی کور باشد ودلی نایبنا و نور واقعی را نه بیند و حقایق خارجی را مشاهده نکند آیا جایز است منکر واقعیت شدن نور را نفی نمود ؟! و خود قرآن نیز با عبارت: « صم بکم عی لهم لایعقلون » تصریح باین معنی می کند .

در آیه (وهدی و موعظه للمتقین نکته دیگری نیز هست و آن اینکه قرآن و بطور کلی اسلام و وظیفه خود را تنها ارشاد و هدایت و اراده طریق

می داند نه اینکه وصول بحق و حقیقت را برای هر کس تحت هر شرایطی تضمین می کند و با اصطلاح اسلام ایصال بحق و حقیقت نمی کند بلکه تنها راه را نشان می دهد ، و در مرحله ارشاد و هدایت و راهنمایی نکر و اندیشه و عمل، اختیار بپسودن راه سعادت و شقاوت را بدست خود انسانها قرار می دهد و اینجا است که مسأله: « جبر و اختیار » که یکی از مسائل مشکل اعتقادی و فلسفی است بطور جدی مطرح می گردد که فعلا از محل بحث ما خارج است .

البته اگر خداوند بخواهد می تواند این کار را انجام دهد یعنی انسانها را وادار به عمل نیک باید بکند و لکن اینکار خلاف سنت پروردگار است و از این جاست که در قرآن می خوانیم که خداوند با کلمه (لو امتناع) یا صریحاً این حقیقت را برای انسانها یادآور می شود آنجا که می فرماید: « او تقول لو ان الله هدانی لکننت من المتقین » (ع)

« یا آنکه از فرط شهیمانی (در پس آرزوی محال آید) گوید افسوس اگر خدا مرا بطلب خاص خود هدایت می فرمود من نیز از اهل تقوا بودم » و لکن خداوند هیچ وقت بنا ندارد انسانها را از روی اجبار داخل در زمره متقین کند یعنی حالت تقوای در افراد از روی اجبار ایجاد کند زیرا این کار علاوه بر اینکه خلاف حکمت خداوند است بلکه

آزادی سیاسی

آزادی سیاسی، اصل و مادر سایر آزادیهاست

باشند و در برابر اداره جامعه خود احساس مسئولیت کنند و خود را آلت بی‌اراده‌ائی در دست رهبران خود و عضوی مهم و بی‌اثر در یک اجتماع نیاورند و چون امکان ندارد همه ملت در کنار هم بنشینند درباره کیفیت اداره کردن کشور تبادل نظر کنند ، آخرین فکری که در این باره به فکر بشر رسیده ، اینست که بهر ترقیمی که صلاح می‌دانند با کمال آزادی و اختیار اشخاص صاحب صلاحیتی را انتخاب نموده و زمام امور اداره خانه بزرگ خود را تحت شرایط و موازینی به آنان بسپارند ، و خود از دور به کار آنان نظارت کنند و به اندازه‌ای که ضرورت اقتضاء کند هر کس باید سهمی از دسترنج خود را برای رفع احتیاجات کوناگون جامعه، از نظر حفظ امنیت داخلی

هر کشور خانه بزرگی است و صاحب آن مردم آن کشورند . و این حق طبیعی و انسانی هر فرد است که خانه خود را مطابق میل و سلیقه خویش بسازد و آن را اداره نماید و چون کشور خانه پرجمعیتی است، تمام افرادی که در آن زندگی می‌کنند، همه در آن سهم هستند و در حقیقت ملك مشاع همه آنهاست ، لذا نباید بر حسب میل و سلیقه یکفرد و یا طبقه خاصی اداره شود زیرا در این صورت حقوق سایر افراد از بین می‌رود ، مثل اینکه دو یا چند نفر خانه یا ملك مشاعی داشته باشند یکی از شرکاء بخواهد بناحق، حق تصرفات را از دیگران سلب کند .

بنابراین در اداره کشور که خانه عمومی ملت است ، همه مردم باید سهم و شریک

وخارجی و تأمین رفاه عمومی بدستگاه اداره کننده بپردازد .

و از طرفی برعهده نمایندگان منتخب مردم است که بپیمانهای بنام قوانین درباره شئون مختلف و احتیاجات گوناگون جامعه مطابق مصالح عامه وضع و اعلام دارند که تکالیف دولت و ملت قبلاً معلوم شود، بطوریکه کوئی طرفین متعهد و ملتزم شده‌اند که آن عهود و موثیقی را از هر حیث محترم شمارند (البته پیمانها بهر حال باید برطبق ضوابط و معیارهای الهی و اسلامی باشند).

ملت ، منشاء قدرت

پس هر جامعه‌ای ناگزیر ، طبق مقرراتی اداره می‌شود که آن را قانون می‌گویند و مقاماتی که منتخب خود مردم هستند ناگزیر ضامن اجرای آن مقررات هستند. مجموع این دو (ملت - دولت) يك هسته اجتماعی بوجود می‌آورد که قدرت حاکمه نامیده می‌شود . بنا بر این شرط حکومت مردم بر مردم و شرط دموکراسی اینست که این قدرت ، هیچوقت نباید از اختیار مردم خارج شود و از نظارت مردم دور بماند. آری در جامعه انسانی واقعی ، حاکمیت در حقیقت هماله نوری است که از تك تك افراد متشعشع میشود .

در جامعه انسانی واقعی ، حاکمیت و قدرت تا آنجا که ممکن است مستقیماً و بلافاصله بوسیله تك تك افراد اعمال می‌گردد و لذا در موارد بسیار مهم و فوق‌العاده مراجعه به آراء عمومی میشود یعنی بطریق مستقیم

آراء اکثریت بدست می‌آید که آن را « فرآیند دوم » یا مراجعه به آراء عمومی گویند .

از اینجاست که گفته‌اند: یکی از مهمترین مشخصات دموکراسی احترام به آزادیهای فردی است در حکومت دموکراسی ، فرد باید در مسیر تکامل آزاد باشد تا بتواند به منتهای شکوفائی خود برسد و در همین شکوفائی است که فرد به جامعه متصل میشود .

جامعه بهترین امکانات را برای این شکوفائی به فرد میدهد، و فرد، با شکوفائی، بهترین و بهترین خدمات را که می‌تواند به جامعه میکند .

مشارکت فرد در جامعه

با توجه به این حقیقت ، جامعه باید مشارکتی ، باشد از انسانهای آزاد برای تأمین حداکثر خوشبختی برای آنها، و فراهم آوردن امکانات لازم برای شکوفائی هر چه بیشتر افراد. بنا بر این در حکومت دموکراسی بدنبال «اصالت فرد» مسئله « مشارکت » و تعاون و همکاری افراد جامعه بصورت بنیاد و اساس مطرح می‌شود به این معنی هر فرد انسان در ساختمان جامعه و در طرز اداره آن ، مشارکت دارد، جامعه در لحظه‌ای مجموع و معدلی است از اراده‌ها و سلیقه‌های افراد آن .

پس نمی‌توان متکر این اصل بنیادی شد که هر ملتی حق دارد خودش را، با توجه به نیازها و ویژه گیها و ارزشهای مردمی

و معنوی خود ، نظام سیاسی و کیفیت رهبری جامعه خود را انتخاب کند .

مردم هر شهر و آبادی عزت انسانی دارند و حقوق انسانی ، هر يك از این افراد حق دارد نظر بدهد كه شهرش چگونه ، باشد هرگز عقلانی نخواهد بود كه يك عده شهری بنشینند و در سرنوشت مردم شهر دیگر تصمیم بگیرند .

مغلا هیچ معنائی دارد كه يك عده در تهران بنشینند و درباره چگونگی خیابان بندی اصفهان تصمیم بگیرند ؟

هیچ معنائی دارد كه يك مشهدی تصمیم بگیرد كه پارکهای آبادان چندتا و به چند نوع باشد بهتر است ؟!

بطور مسلم عزت اعتبار انسانی تك تك افراد هر شهر و آبادی ، ایجاب میکند كه خودشان درباره چگونگی سرزمین خود نظر بدهند و در حقیقت چگونگی سرزمینشان باید مجموع و معدل نظرها و عقیدهها و سلیقههای افراد آن منطقه باشد و لا غیر .

هر گاه در کشوری دهات آن زیر نظر شورای ده و شهرهای آن زیر نظر شورای شهر و تمام واحدهای اجتماعی دیگر زیر نظر شوراهای و مجموع مملکت زیر نظر مجلس شورا (مشروط) بر اینكه انتخابات در همه آنها آزاد باشد اداره شود به این معنی سرنوشت مملکت و خطوط اصلی اداره آن با مشارکت خود مردم باشد ، چنین کشوری در حقیقت ، دموکراسی واقعی بوده و در

نتیجه همه قوای کشور مقننه ، قضائیه و اجرائیه مجری اراده مردم خواهد بود .
در مورد دموکراسی گفته اند : «دموکراسی یعنی حکومت مردم ، بوسیله مردم برای مردم» (۱)

اما باید با صراحت بگوئیم كه : چنین مفهومی از دموکراسی تا كنون در كمتر كشوری تحقق یافته است و شكل دموکراسی از زمان پیدایش آن تا كنون غالباً به شكل حكومت طبقه خاصی بوده و لذا می بینیم كه دموکراسی همیشه مظهر قدرت طبقه ای است كه حكومت میکنند .

و ضمناً باید پذیرفت كه این طرز حكومت بخصوص برای اقوام كم زشد و بی اطلاع خالی از معایب و نقایص نیست كه در محل خود مورد بحث و نقل قرار گرفته است لیكن بر روی هم كه حساب شود دموکراسی فعلاً بهترین نوع حكومتی است كه به فكر بشر رسیده و تجربیات تاریخی ادوار مختلف ، آن را پذیرفته است هر چند این نوع حكومت ، حكومت ایده آل نیست و خواهیم گفت كه سیستم حكومتی اسلام برترین نوع حكومتهاست و از سیستم های دیگر بحق و عدالت نزدیکتر است .

آزادی سیاسی ما

در سایر آزادیهاست .

اگر در يك كشوری آزادی سیاسی كه اصل اساسی و مادر سایر آزادیهاست ، نباشد و اداره كشور بر حسب دلخواه يك

۱ - «لینکلن» دموکراسی را این چنین معنی کرده است .

فرد مستبد یا طبعته‌ای باشد ، استفاده از آزادی‌های مدنی و اجتماعی و آزادی افکار و بیان و قلم و همچنین تمام حقوق بشری امکان پذیر نمی‌گردد زیرا اگر آزادی سیاسی نباشد اجتماعات ممنوع و افکار محدود می‌گردد و نشریات زهر نظر و مراثبت سانسور می‌رود و حتی آزادی مسکن ، اقامت ، مفروضات حقوق انسانی بسته به هوس مستبد می‌شود .

از اینجاست که دانشمندان برای آزادی سیاسی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده و آن را از ارکان مهم آزادی دانسته‌اند .
« جون بر جس » آزادی سیاسی را بدینگونه تعریف کرده است :

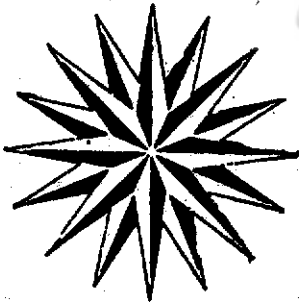
« آزادی سیاسی آنستکه هر شخص ، عضو موثر و فعال دولت بوده و در فرصتهای مناسب به او مجال سخن داده شود و آنچه بگوید از او پذیرفته گردد و در جهل توانین و ترسیم نقشه‌های سیاسی دولت ، عضو مؤثری بشمار بیاید و این در صورتی ممکن است که بتواند آزادانه در مسیر اهداف مقدس فردی و اجتماعی سخن بگوید و در وضع قوانین مملکت دخالت نماید » (۱)

و لیکن در نظام استبدادی به مردم چنین اجازه‌ای داده نمی‌شود زیرا شخص دیکتاتور هیچ شریکی را تحمل نمی‌کند و مخالف سرسخت مشارکت مردم در مسائل اجتماعی و امور مملکتی است .
نکته اساسی که تذکر آن لازم است اینست بهمان اندازه که در سلب آزادی و ایجاد نظام استبداد ، دیکتاتور سهم دارد ،

مردم زیر سلطه نیز سهم دارند . زیرا این خود مردم هستند که نظام دیکتاتوری را بوجود می‌آورند و از حق حاکمیت خود دست بر میدارند و به دیکتاتور حاکمیت می‌بخشند و با تحمل و سکوت خود به او اجازه میدهند تا به حکومت جبارانه و تجاوز کارانه خود ادامه دهد .

از اینجاست که گفته‌اند : استبداد ، پدیده‌ای است طرفینی ، یک طرف آن دستگاه حاکمه است و طرف دیگر آن مردم ، که هر دو طرف در ایجاد آن سهم دارند البته این درست است که دیکتاتورها همیشه می‌خواهند خود را تحمیل کنند اما این مردم هستند که این تحمیل را تحقیق می‌بخشند و زمینه را برای رشد او فراهم می‌سازند . پس استبداد پیش از آنکه تحمیل کردنی باشد ، پذیرفتنی است .

اسلام که دین آزادی است به پیروان خود آزادی سیاسی به معنای وسیع کلمه داده است که در شماره آینده خواهید خواند .



مفتی‌های دریاری کمیته مقاومت تشکیل دادند شاهزاده فهد و دعوت به جهاد!

✦ بنظر میرسد، این شیوه جدیدی برای مشغول کردن کشورهای منطقه به برخورد عقیدتی باشد تا در پناه آن آمریکا بتواند مقاصد خود را جامه عمل بپوشاند ✦ این کمیته تلاش میکند تا با تیز حملات انقلاب اسلامی را از سوی آمریکا منحرف کند

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنام اسلام در ایران مطرح شد و به اسلام لطمه وارد کرد، آگاه خواهد ساخت! منابع مطلع همچنین اضافه می‌کنند: «معهد علی‌الحرکان» دبیرکل «رابطه العالم-الاسلامی» و مفتی اعظم عربستان سعودی دبیرکل این کمیته خواهند شد. نخستین بیانیه این کمیته در مطبوعات کویت از جمله مجله «الاجتماع» و مجله «البلاغ» که دو مجله بظاهر اسلامی هستند و به هزینه دولت سعودی منتشر می‌شوند،

مراکش - بگزارش منابع موثق از رباط پایتخت مغرب، بدعوت ملک محسن دوم پادشاه مغرب، کمیته‌ای از سران مفتیهای اعظم کشورهای عربستان سعودی، کویت، عراق، مصر و مغرب برای مبارزه با انحرافات خمینی تشکیل شد.

این کمیته تحت نام «کمیته مقاومت با انحرافات خمینی» از بزودی در رباط و تاهره و مکه جلسات متعددی خواهد داشت و مردم مسلمان کشورهای عربی را از آنچه

انتشار یافت. در این بیانیه آمده است:

«خمینی می گوید: پیامبران برای تحکیم پایه های عدالت در جهان مبعوث شدند ولی موفق نشدند، و حتی خاتم الانبیاء پیامبر اکرم (ص) که برای اصلاح بشریت و تحکیم عدالت آمده بود در زمان خود به هدش نرسید و موفق نشد، و کسی که موفق خواهد شد و عدالت را در سرتاسر جهان برقرار خواهد کرد امام مهدی موعود می باشد.»

این گفته ها که به خمینی منسوب شده با عقاید و مبانی دین مجید اسلام مغایرت صریح دارد.

ما این گفته ها را شدیداً محکوم کرده و اعلام میکنیم که این گفته ها با اسلام و قرآن و سنت مبارکه رسول اکرم (ص) و اجماع علمای اسلام مخالفت و مغایرت صریح دارد.

و علیرغم مخالفت و مغایرت این گفته ها با قرآن و سنت پیامبر (ص) و اجماع ائمه مسلمین، هیچ تکذیبی در این زمینه از ایران صادر نشده است.

پیامبر اکرم (ص) خاتم پیامبران و مصلح جهان است که در قرآن آمده است: **الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا.** و می فرماید: **«وما از سلناک الا رحمة للعالمین»**.

و می فرماید: **«ترکت فیکم مساان تمسکتهم به لن تضلوا ابدان کتاب الله**

و سنعتی».

* * *

ناظران سیاسی معتقدند این دعوت تلاشی برای جلوگیری از صدور پیام انقلاب اسلامی است.

از سوی دیگر پیش بینی می شود این شیوه جدیدی برای مشغول کردن کشورهای منطقه به برخورد عقیدتی باشد تا در پناه آن آمریکا بتواند به مقاصد خود جامعه عمل بپوشاند. این کمیته تلاش می کند تا سرحد امکان لبه تیز حملات انقلاب اسلامی را از سوی آمریکا منحرف کند و ایران در گیر برخوردهای غیر ضروری عقیدتی شود.

(جمهوری اسلامی شماره ۳۵۹)

مکتب اسلام:

آنچه رهبر بزرگان انقلاب اسلامی ایران فرموده اند، چیزی نیست که تا زگی داشته و با اختصاص به شیعه داشته باشد، کسانی که با احادیث مربوط به ظهور منجی جهان بشریت حضرت مهدی موعود آشنائی دارند، می دانند که مسأله تحقق حکومت عدل اسلامی در سرتاسر گیتی و برچیده شدن بساط ظلم، و اجرای کامل آئین اسلام توسط آن حضرت، مضمون احادیث فراوانی است که هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل تسنن نقل شده است و مفتی های بزرگ جهان تسنن نیز آن را تأیید کرده اند و اینکه پیامبر اسلام نتوانست (عمر او کفاف نکرد تا) آئین جهانی اسلام را در پهنه گیتی استوار نموده جهان را از لوث وجود مستمگران پاک سازد و اقییتی

است انکار ناپذیر .

به تعبیر دیگر بحث بر سر این نیست که آیا آئین اسلام از نظر قانونگذاری تکمیل شده است یا نه (تا حضرات مفتیان درباری با آیه الیوم اکملت لکم .. یا با حدیث ترکت فیکم .. استدلال کنند) بلکه بحث بر سر این است نه آیا آئین اسلام و حکومت عدل جهانی اسلام در سرتاسر گیتی تاکنون پیاده شده است یا نه ؟ پاسخ این است که نه !

این پاسخ منفی نه تنهاییانگر یک واقعیت انکار ناپذیر است بلکه مضمون احادیث متعددی است که در کتب دانشمندان بزرگ اهل تسنن مانند مستدرک حاکم و «ینابیح الموده» در توضیح آیه : هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون نقل شده است . و حکایت از این دارد که این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی موعود و پیاده شدن کامل آئین اسلام در سرتاسر گیتی در زمان حکومت آن حضرت می باشد .

توضیح اینکه خداوند در آیه مزبور که در سه سوره توبه وصف و فتح تکرار شده است ، می فرماید : «او است که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاده تا وی را بر همه ادیان غالب سازد گرچه مشرکان کراهت داشته باشند» .

«شیخ سلیمان تندوزی حنفی» در کتاب «ینابیح الموده» (صفحه ۵۰۸) در تفسیر آیه مزبور از امیر مؤمنان (ع) نقل می کند که فرمود : «در سرتاسر گیتی هیچ شهر و

دیاری باقی نخواهد ماند مگر آنکه صبح و شب بانگ توحید و خداپرستی در آن بگوش خواهد رسید» .

حاکم در کتاب مستدرک (ج ۴ ص ۴۳۰) نقل می کند که پیامبر اسلام فرمود : «در سرتاسر جهان خانه ای نخواهد ماند جز آنکه اسلام در آن نفوذ خواهد کرد» .

حال آیا چنین نفوذ جهانی اسلام تاکنون عملی شده است ؟ و آیا جز این است که به اعتراف خود دانشمندان جهان تسنن ، این گسترش جهانی اسلام ، در زمان حکومت حضرت مهدی خواهد بود ؟

علاوه بر اینها «مخمد رشید رضا» در تفسیر «المنار» (ج ۱۰ صفحه ۲۹۳) در تفسیر آیه مزبور اعتراف می کند که گروهی از دانشمندان اسلامی معتقدند که بعضی از مؤدیهائی که خداوند در این آیه داده در آخر الزمان در زمان ظهور حضرت مهدی خواهد بود و اسلام در آن زمان صد در صد پیاده خواهد شد باری با توجه به آنچه گفته شد ، روشن می گردد که انگیزه تشکیل چنین کمیته ای در مغرب ، نمی تواند انگیزه مذعبی باشد ، بلکه انگیزه های سیاسی در پشت آن نهفته است .

ناظران سیاسی معتقدند که این دعوت ، تلاشی است برای جلوگیری از صدور پیام انقلاب اسلامی ایران که طرح آن را امریکای جنایتکار ریخته و اجرای آن را ملک حسن با دستکاری مفتی های درباری بر عهده گرفته است .

مسائل مصنوعی خارج از مرز بکند !

شاهزاده فهد و دعوت به جهاد !

در این ایام شاهزاده فهد ولیعهد عربستان سعودی مردم را به جهاد با کفار جهت آزادی قدس فرا خوانده است. برای ما که یکسال ونیم است شاه و شاهزادگان را بمزبله تاریخ سپرده ایم ، تصور اینکه در کشور دیگری در نزدیکی ما، شاهزاده ای باشد که عوام فریبانه، مردم را بجهاد دعوت کند ، دشوار است، امامت آسفانه این واقعیت وحشتناک وجود دارد، همچنانکه در نزد ما هم وجود داشت .

بهر صورت ، اکنون ، سخن از این است که این شاهزاده دعوت بجهاد میکند .

اما حکم جهاد چنانکه بر زبان آن اعرابی در زمان خلیفه دوم هم گذشته از حاکم عادل پذیرفته است و در عدالت ایشان سخن بسیار است که هفت میلیون جمعیت عربستان و ۱۴ میلیون بشکه نفت صادراتی در روز ، یعنی قاعدتاً چیزی در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار در سال - ساده تر ، سهم روزانه هر شهروند دویسکه است یعنی به بهائی که او یک میفروشد مبلغی در حدود ۷۰ دلار با آن بهای سخاوتمندانه که دولت ملک خالد و شاهزاده فهد میفروشد ، یعنی در واقع از کیسه ملت حاتم بخشی میکنند ، باز هم چیزی در حدود ۷۰ دلار حق روزانه هر فرد ملت است و شاهزاده فهد ، قدرش را میدزد و به حسابهای بانکیش در اروپا و ایالات متحده

این گونه تلاشهای مذبوحانه برای آنست که کشورهای مرتجع منطقه بتوانند با این پوشش ، به خیال خود ، مدتی به حیات حکومت ننگین خود ادامه دهند .

از سوی دیگر پیش بینی می شود که این ، شیوه جدیدی برای مشغول کردن کشورهای مرتجع منطقه به بر خورد های عقیدتی باشد تا در پناه آن امریکا بتواند به مقاصد خود جامعه عمل ببوشاند. این کمیته تلاش می کند تا سرحدات امکان ، لبه تیز حملات انقلاب اسلامی ایران را از سوی امریکا منحرف کند و ایران در گیر بر خورد های غیر ضروری عقیدتی شود .

ناگفته نگذاریم که پیشوایان راستین اسلام و مفتی های متعدد و وارسته امت اسلامی هرگز آلت دست ملک حسن ها و ملک حسین ها و اربابان آنان نمی شوند و به فرمان قرآن بر ضد طاغوتیان و مزدوران استعمار و به حمایت از مستضعفان و محرومان به مبارزات آشتی ناپذیر خود ادامه می دهند .

نکته دیگری که در این خیر جلب توجه می کند انتخاب کشور مغرب برای برگزاری این به اصطلاح کمیته مقاومت است ، ناظران سیاسی ، این معنی را بی ارتباط بنا وضع اقتصادی و داخلی ناسامان مغرب نمی دانند .

گویا اعلیحضرت ملک ! برای روبروش گذاشتن بر روی وضع ناسامان داخلی راهی بهتر از تشکیل به اصطلاح چنین کمیته ای پیدا نکرده است تا افکار مردم را مستوجه

منتقل میسازد ، خدا می داند بویژه اگر وضع آن ملت فقیر را باقیانته های استخوانی و پاهای برهنه با وضع شاهزاده و برادرش و اعضای خانواده سلطنتی ، مقایسه کنیم با آن قیافه های گرد و مدور و چهره های شیطانی مصداق « یعرف المجرمون بسیماهم » و این شاهزاده فهد کسی است که در تعیین سیاست کشور از برادر تاجدارش ملک خالد خیلی مؤثرتر است .

چنانکه اکنون هم او ملت عربستان را ، احتمالاً ملت های دیگر را دعوت به جهاد میکند ، در راه قدس ، تا آنکه از چنگال اسرائیل رها شود و واقعاً بنگری صحبت بر سر جهاد نیست .

بلکه دفاع است و آنهم دفاعی که مدتها است به تعویق افتاده است و صحبت بر سر قدس تنها هم نیست در واقع برای آزادی کلیه سرزمین های اشغالی که توسط صهیونیست و بمدد امپریالیست های آمریکائی غصب شده اند ، باید جنگید - شاهزاده فهد فعلاً چنین صلاح دیده است که برای مقاصد خویش که بی تردید از مرز عوام فریبی تجاوز نمی کند فقط از قدس و پناک ساختن آن از لوث وجود صهیونیست ها سخن بگوید .

برای امثال شازده فهد آزادی قدس پیشکش ، آیا اینان چه اهمیتی نسبت به مسائل مربوط به کشورشان و ملتشان دارند ملت آنها در درجه نخست هفت میلیون گرسنه و پاهارنه اند که ۹۰ درصدشان بی سوادند . معنای اهتمام را دانستید ؟ و سهمی که از درآمد نفت بهر یک از این هفت میلیون میرسد روزانه ۰۰۰ دلار است و جمع این ۰۰۰ دلارها که در سال به ۱۵۰۰۰ میلیارد دلار میرسد تقریباً

یکجا توسط خاندان سلطنت ، سگ خور می شود .

اگر سخن آن سیاستمدار آمریکائی را شنیده باشید ، جالب است ، این سیاستمدار درباره همین دعوت به جهاد گفته است : آه ! بمسخران این عربها اهمیت ندهید اعمالی که از آنها سر میزند ، بدستور کاخ سفید است و از این نظر ، در اختیار ما هستند ، بگذارید زبانشان با اختیار خودشان باشد .

یک رهبر سیاه پوست گفته است : آه از دست این عربها ، اینهمه وسیله برای مبارزه با امریکا در اختیارشان هست ، و با اینهمه ، جز زبان ، هیچ چیزشان را بکار نمی اندازند (تلخیص از مطبوعات صبح تهران)

مکتب اسلام :

پیشنهاد ما به شاهزاده فهد این است که جهاد و جانبازی و ایثار خون در راه آزادی قدس ، پیشکش شما ، فقط یک کار انجام بدهید و آن این است که روابط اقتصادی خود را با کشورهای که از اسرائیل غاصب حمایت میکنند قطع کنید و نفت خود را به آنان نفروشید باور کنید برای شما در وضع فعلی بزرگترین جهاد همین است و بس ولی هیات که این دولت روابط اقتصادی خود را با امریکا قطع کند در حالی که بقاء آن وابسته و متکی به آن است و بس .

پایه از صفحه ۳۵

روی دلائل عقلی اصولاً محال است واضح است این محال بودن از عدم استعداد قابل ناشی می شود نه از کمبود فطرت فاعل و مبدأ وجود و حیات .

هشدار به خواهران و برادران!

ایدئولوژی مجاهد پرور اسلام و افشای چهره کره امپریالیسم و عملکرد ضدانقلاب در داخل کشور از خون شهدای انقلاب پاسداری نمایند. و این افتخار را داشته که هنگام باملت تهران ایران به معاسبت ورود شاه خائن که آغازگر توطئه‌ای دیگر بود، در واشنگتن، نیویورک، کالفرنیا و سایر ایالات تظاهراتی برپا سازد، تسخیر مجسمه آزادی و به زندان افتادن عده‌ای از فعالین انجمن، بخشی دیگر از فعالیت‌های افشاگرانه مادر رابطه با توطئه‌های امپریالیسم بود.

دولت جنایتکار آمریکا سعی بر آن داشت تا با جمع آوری فراریان وابسته به رژیم منفور بهلولی و عده‌ای از بازماندگان سازمانهای ورشکسته خارج از کشور زیر پوشش سازمانهای سیاسی چپ و یا با اصطلاح اسلامی پایگاهی برای ضد انقلاب در خارج از کشور تدارک ببیند.

تشکیل جلسات با چهره‌های شناخته

«اتخذوا ایمانهم جنه فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ماکانوا یعملون» (منافقون ۲).

(اینان سوگندهای خود را پوششی قرار دادند تا مردم را از راه خدای باز دارند چه عمل کثیفی انجام می‌دهند) این روزها از گوشه و کنار شنیده می‌شود که افرادی خود را عضو انجمن اسلامی دانشجویان معرفی کرده و پس از با اصطلاح افشاکری از انجمن دست به تشکیل سازمان نهائی دیگر می‌زنند تا بدینوسیله انجمن را که بعنوان تنها سازمان متشکل اسلامی خارج از کشور به فعالیت خود ادامه می‌دهد در ذهنها چهره‌ای دیگر بخشند. مادر این برهه زمانی لازم دیدیم که نکات زیر را تذکر دهیم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران عده‌ای از خواهران و برادران ما در این دیار مانند تدا که پیام‌گزاران انقلاب اسلامی ایران باشند و با شناختن و شناختن

شده‌ای همچون فریدون هویدادراین رابطه
 بوده است تا به انقلاب اسلامی ایران در
 خارج از کشور جلوه‌ای دیگرگونه بخشند.
 اینبار نیز اعضاء و هواداران انجمن با
 حرکت در خط امام به افشاکری چنین
 چهره‌مائی پرداخته و تن به زندان‌دردادند
 که « السجن احب الی مما یدعوننی الیه »
 دولت نابکار آمریکا سعی نمود تا
 با حمله شبانه به خانه اعضاء انجمن
 و همچنین کشتن بعضی از برادران
 (برادر شهید بیژن) در بین ادامه
 دهندگان راه امام در خارج از کشور
 رعب و وحشتی ایجاد کند ولی
 این نابکاران نمی‌دانند که مکتب
 ما ، مکتب خون و جهاد است و
 لحظه‌ای از حرکت پویای خویش باز
 نخواهیم ایستاد .
 دولت جهانخوار آمریکا نتوانست با
 این‌دسیسه‌ها حرکت را به ایستائی کشاند

ولی آنچه‌آن که در ابتدا گفته شد عده‌ای
 سعی دارند تا با عملکرد خویش ایجاد تفرقه
 نمایند، که از دیدگاه ما این عمل در نهایت
 جز به نفع اوپریالیسم آمریکا نخواهد
 بود .

ضمن تکذیب ارتباط اینگونه افراد با
 انجمن ، بار دیگر از خواهران و برادران
 ایمانی خویش خواستاریم که هر چه مصمم‌تر
 به حرکت پویای خود در خط امام ادامه
 دهند و آنانرا که به اسم اسلام سعی در
 تضعیف رهبریت انقلاب دارند طرد نمایند.

والسلام

پیروز باد نهضت انقلابی امت
 برهبری امام خمینی مرگ بر
 متکاترین غرب و شرق و عمال
 داخلی‌شان

انجمن اسلامی دانشجویان
 آمریکا و کانادا

یاری‌کارانی هستند که با تظاهر دفاع از خلق -
 ها، می‌خواهند به اهداف ضد خلقی خود برسند
 که در هر دو صورت خدمت به خلق نمودن،
 محال بوده‌تنها کسانی میتوانند نوع دوست
 و خدمتگذار واقعی خلقها باشند که خداگونه
 و علی‌وار بوده خدمتکاری، از ریشه ایمان و
 جان‌شان آبیاری شود .



بنده از صفحه ۲۸
 را که با انگیزه الهی انجام نگیرد کافی نمیداند
 با اینکه عادت کردن به اعمال نیک در اسلام
 بسیار پسندیده و ترغیب به آن شده است .
 به گفته علامه و استاد شهید مطهری:
 « برای خدا و خلق گفتن ، شرك است » و
 کسانی که مخصوصاً در عصر ما ، زیاد از
 « خلق‌ها » دم‌میزند ، با افرادی ساده‌اندیش و
 بی‌خبر از پیش اسلامی هستند و اطلاعات
 کافی از عمق معارف اسلامی را ندارند و